

سازه‌های تأثیرگذار بر زیان‌دهی تعاونی‌های روستایی (مورد مطالعه: تعاونی روستایی امیرکبیر در استان فارس)

پوریا عطائی و نسیم ایزدی^{۱*}
(دریافت: ۹۲/۷/۱۳؛ پذیرش: ۹۴/۱/۳۰)

چکیده

در کشور ما شرکت‌های تعاونی روستایی جهت بهبود کیفیت زندگی مردم روستا، افزایش کار و تولید و وضعیت اجتماعی آن‌ها ایجاد شده، ولی بررسی وضعیت تعاونی‌ها در سطح کشور و استان فارس حاکی از عدم موفقیت برخی از آن‌ها در دستیابی به این هدف است. هدف این پژوهش بررسی سازه‌های تأثیرگذار بر زیان‌دهی تعاونی‌های روستایی بوده که به صورت آمیخته تبیینی انجام شده است. جامعه مورد بررسی در مرحله کمی این مطالعه، کلیه اعضای تعاونی روستایی امیرکبیر استان فارس (۱۳۰۰ نفر) بودند. تعداد ۲۹۷ نفر از اعضا با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. همچنین، در بخش کیفی با ۲۵ نفر از اعضا تعاونی مصاحبه عمیق انجام شد. ابزار مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌های کمی، پرسشنامه بود که روایی صوری آن توسط پانلی از صاحب‌نظران تأیید و برای بررسی پایایی آن نیز آزمون راهنما اجرا شد که آلفای کرونباخ آن بین ۰/۷۲-۰/۸۶ بدست آمد. یافته‌های بخش مطالعه کمی نشان داد که هشت متغیر مسئولیت‌پذیری هیأت مدیره، عملکرد اداره تعاون، آموزش اعضا، خشکسالی، مشارکت اجتماعی، آگاهی از اصول تعاونی، رضایت از هیأت مدیره و اعتماد اجتماعی در مجموع قادرند ۶۱ درصد از تغییرات در متغیر وابسته (زیان‌دهی تعاونی) را پیش‌بینی کنند. در بخش مطالعه کیفی نیز مشخص شد که هفت عامل محیطی، اقتصادی، اجتماعی، سرمایه انسانی، مدیریتی، حمایتی و آموزشی بر زیان‌دهی تعاونی‌های روستایی مؤثر بودند. با مقایسه نتایج بدست آمده از بخش کمی و کیفی مشخص شد که برخی عوامل نظیر نارضایتی از عملکرد اداره تعاون، آموزش اعضا، خشکسالی، اعتماد و ضعف مدیریت تعاونی، در هر دو روش جزء عوامل مؤثر بر زیان‌دهی تعاونی‌ها بودند. در نهایت، پیشنهاد می‌شود بین تعاونی‌های موفق و زیان‌ده تعامل ایجاد شود تا از تجربیات یکدیگر به صورت بهینه استفاده نمایند.

واژه‌های کلیدی: تعاونی روستایی، زیان‌دهی تعاونی‌ها، آسیب‌شناسی تعاونی‌ها، تعاونی امیرکبیر.

^۱ - به ترتیب، دانشجوی دکتری ترویج کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس و دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا همدان.

* - مسئول مکاتبات، پست الکترونیکی: izadi.nasim@yahoo.com

مقدمه

در حال حاضر، به ندرت می‌توان کشوری را در دنیا یافت که دارای نوعی سازمان تعاونی نباشد. کلیه کشورها اعم از سوسیالیست یا کاپیتالیست، توسعه یافته یا نیافته، مدعی دارا بودن اینگونه سازمان‌ها هستند و اغلب به توسعه و گسترش این سازمان‌ها مبادرت ورزیده‌اند (عباسی، ۱۳۸۹). اما تحولات اوایل هزاره سوم میلادی در عرصه اقتصاد، فرهنگ و روابط اجتماعی موجب شده است که تعاونی‌ها در عصر حاضر با شرایط جدیدی روبه‌رو شوند به طوری که بدون سازگاری با آن‌ها نمی‌توانند به حیات خود ادامه دهند. در کشورهای صنعتی، دولت از طریق طراحی چارچوب‌هایی برای توسعه تعاونی‌ها در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی گام‌های مؤثری برداشته است. اما کشورهای در حال توسعه در این راه با موانعی چون عدم تطبیق انتظارات، عدم شفافیت سیاست‌گذاری‌ها، فقدان شرایط استاندارد محیطی و افزایش غیرطبیعی تعاونی‌ها به لحاظ کمی مواجه‌اند (معاونت تحقیقات، آموزش و ترویج استان تهران، ۱۳۸۳). به تبع مشکلات فراروی تعاونی‌ها در کشورهای در حال توسعه، کشور ما نیز با این مشکلات مواجه است. بهبود کیفیت زندگی مردم، کار و تولید، بالا بودن سطح درآمد، ارتقای وضعیت اجتماعی، گسترش عدالت اجتماعی و توسعه بر پایه برابری، از اصلی‌ترین اهداف ایجاد بخش تعاون در هر کشور است. بسترسازی و بررسی زمینه‌های مورد نیاز ایجاد تعاونی‌ها از مقدمات و الزامات ایجاد آنان بشمار می‌رود و بی‌توجهی به این امر در حوزه مسایل توسعه کشاورزی، هزینه‌های بسیار را بر جوامع روستایی تحمیل می‌نماید (احمدوند و شریف‌زاده، ۱۳۸۸). بنابراین لازم است که شرکت‌های تعاونی زیان‌ده، از ابعاد گوناگون مورد مطالعه و تحقیق قرار گیرند تا نقاط ضعف و نارسایی آن‌ها اصلاح شده تا علاوه بر رفع مشکل زیان‌دهی، برای اعضای خود مفید و دارای سودآوری باشد. تعاونی‌های روستایی به عنوان نظام بهره‌بردار، یکی از بسترهای اصلی فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی در بخش کشاورزی به شمار می‌روند. این شرکت‌ها با داشتن اعضای از قشرهای مختلف روستا، به عنوان تشکلی مردمی، می‌تواند علاوه بر داشتن منبع درآمد برای روستاییان،

نتایج تحقیقات نشان داده آن‌ها را در فعالیت‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی نیز سهیم کند. به طوری که نتایج پژوهش منفرد (۱۳۹۰) نشان می‌دهد که بین کشاورزان عضو و غیرعضو در تعاونی‌های تولید از نظر میزان دانش فنی، مشارکت اجتماعی، نگرش نسبت به تعاونی، و استفاده از رسانه‌ها تفاوت معنی‌داری وجود دارد. با این وصف، ورشکستگی و انحلال تعاونی‌های روستایی، ضربه مهلکی بر روستاییان و جامعه روستایی وارد می‌کند. لذا توجه به مشکلات، چالش‌ها و به طور کلی آسیب‌شناسی تعاونی‌های روستایی امری بسیار ضروری تلقی می‌شود.

در ایران، بعد از اصلاحات ارضی، شاهد پیدایش انواع نظام‌های بهره‌برداری همانند تعاونی‌ها در بخش کشاورزی بوده‌ایم. این نظام‌ها را در عمل می‌توان ابزارهای مؤثری برای توسعه روستایی دانست و باید آن‌ها را در حکم بخشی ضروری از سیاست‌های توسعه روستایی و مرتبط با برنامه‌های ملی در نظر گرفت. تعاونی‌های روستایی به طور مستقیم از طریق پیشرفت اقتصادی و اجتماعی اعضا و به طور غیر مستقیم، از طریق تحرک اقتصادی و توسعه پایه‌های اجتماعی جوامعی که در آن به فعالیت می‌پردازند، در کاهش فقر تأثیرگذار بوده‌اند. شرکت‌های تعاونی روستایی از سازمان و مدیریت نوین و نسبتاً علمی و تخصصی برخوردارند. در قالب چنین سازمانی است که انرژی‌ها و نیروهای پراکنده روستایی از وحدت و انسجام جمعی عام برخوردار می‌شوند و فرصتی مناسب پدید می‌آید تا با حفظ هویت‌ها و انگیزه‌های فردی و خانوادگی خود با یکدیگر به مشارکت، همکاری و همیاری متقابل بپردازند. تقویت تعاونی‌ها در حقیقت تضمین‌کننده یک اقتصاد ملی سالم در کشورهاست (دیزاوندی و همکاران، ۱۳۸۹ به نقل از کشوری).

است که تعاونی‌های روستایی، از طریق تعاونی‌های اعتبار روستایی (Sriram, 2000; Wan et al., 1998)، تعاونی‌های تولید روستایی (Owango et al., 1998; Holloway et al., 2000)، تعاونی‌های بازاریابی (Wan et al., 1998) و تعاونی‌های خدمات روستایی (Linsy & Settle, 2003؛ Marshal et al., 2001) در ایجاد رفاه و توسعه روستایی در سطح محلی، منطقه‌ای و ملی مساعدت

نموده‌اند. ارزیابی منابع تحقیقاتی در خصوص آسیب‌شناسی تعاونی‌ها و توسعه آن‌ها نشان می‌دهد که عواملی همچون بی‌سوادی و کم‌سوادی، عدم قدرت رقابتی، پایین بودن کیفیت تولید، خدمات و بهره‌وری، پراکندگی سازمان‌های ناظر بر امور تعاونی‌ها، عدم وفاداری به اصول تعاون، ضعف مدیریتی، عدم دسترسی کافی به امکانات مناسب، تعدد مدیریت، عدم آشنایی کافی تعاونی‌ها به وظایف، نبود سرمایه در گردش، کمبود نیروهای متخصص، محدودیت حوزه عمل و فعالیت شرکت‌های تعاونی، بی‌تفاوتی مردم در برابر شرکت‌های تعاونی، عدم وجود هیأت مدیره پویا، عدم سوددهی شرکت برای انحصار و نظایر آن باعث شده‌اند که آسیب‌های جدی به تعاونی‌ها و توسعه آن‌ها وارد شود (کوهی، ۱۳۸۵). تعاونی‌های روستایی مانند بسیاری از سازمان‌های دیگر از فساد مدیریتی آسیب می‌بینند. در مواردی مشاهده شده است که بیشتر دریافت‌کنندگان وام، آشنایی و خویشاوندی نزدیک با مدیرعامل و یا سهامداران داشته‌اند. در برخی تعاونی‌های روستایی کار مدیرعامل به حضور و غیاب محدود شده است و در برخی یک مهندس کار را در قبضه خود گرفته و کسی در کار او دخالت نمی‌کند (طاهرخانی و قرنی‌آرانی، ۱۳۸۴). یافته‌ها حاکی از آن است که تعاونی‌های روستایی در ایران به دلایل مختلف از جمله کمبود اعتبار، بحران مالی، سرمایه‌گذاری ناکافی، ناآگاهی کشاورزان، فقدان متخصصین واجد شرایط، پایین بودن کیفیت ماشین‌آلات و ابزارآلات و عدم اطلاع‌رسانی، در شرایط نامساعدی به سر می‌برند (Alizadeh, 2011). در تحقیقاتی دیگر عواملی چون کمبود سرمایه، نداشتن هیأت مدیره فعال، وجود طرز تفکر محدود، کاهش سود شرکت و افزایش هزینه‌های آن، بی‌تفاوتی اعضا در برابر شرکت‌های تعاونی، رقابت، مقاومت عناصر محافظه‌کار و ارتجاعی (حسینی‌مهر، ۱۳۷۰)، عدم توانایی رقابت با بخش‌های دیگر اقتصاد، پایین بودن کیفیت تولیدات و خدمات، عدم آشنایی به وظایف و انجام آن، تعدد مدیریت، عدم دسترسی به امکانات کافی، بازاریابی نامناسب، عدم تناسب هزینه و درآمد، کمبود نیروی انسانی متخصص، کمبود سرمایه در گردش جهت خرید مواد اولیه و ابزار کار (خوشفر، ۱۳۷۹)،

فقدان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، محدودیت حوزه عمل فعالیت شرکت‌های تعاونی، عدم توانایی بازپرداخت وام بانکی، ضعف ارتباط با اعضا و عدم سازگاری با یکدیگر (اسکندری تربقان، ۱۳۷۹)، عدم توانایی در رفع نیازهای اعضا، عدم مشارکت اعضا در مسایل تعاونی‌ها و غیر بومی بودن اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل (مهران‌فر، ۱۳۷۸) به عنوان بازدارنده‌های توسعه و پیشرفت تعاونی‌ها معرفی شده‌اند.

نتایج تحقیقات میدانی و نیز مطالعات اسنادی نشان داده است که از جمله مهم‌ترین علل شکست تعاونی‌ها مواردی چون کاهش مقبولیت و مشروعیت نظام‌های مدیریت، عدم همکاری و مشارکت اعضا در برنامه‌ها، ناتوانی‌های مالی (شامل بدهی بالای تعاونی‌ها به بانک‌ها، بیمه، بازار و غیره)، ناآشنایی با اهداف و اصول تعاون، سطح پایین تحصیلات و وابستگی به دولت و نهادهای دولتی می‌باشد (Mohammadi Torkashvand et al., 2011). تقوی (۱۳۸۳) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که بین همسویی اعضای هیأت مدیره با شرکت و روستا، ضعف حس مسئولیت‌پذیری، ضعف مدیریت و ارتباط با سازمان‌ها و ادارات با موفقیت شرکت تعاونی رابطه‌ای وجود ندارد. برونیس و همکارانش (Bruynis et al., 1997) در مطالعه‌ای بالا بودن هزینه‌های اجرایی، ناتوانی در ایجاد توازن بین علایق متفاوت اعضا، انتظارات زیاد اعضا از تعاونی و نبود مدیران مقتدر در بین اعضا را موانع اصلی توسعه تعاونی‌ها می‌دانند. کارلو و همکاران (Carlo et al., 2000) عواملی از قبیل روحیه فردگرایی، عدم همکاری اعضا، نبود مسئولیت‌پذیری در بین آنان، ناآگاهی اعضا، غفلت از اصول تعاون و بویون (Bhuyon, 2000) عدم پایبندی اعضا به تعاونی را مانع اصلی توسعه تعاونی‌ها ذکر کرده‌اند. همچنین آجیلی (۱۳۸۵) بیان می‌دارد که ضعف نیروی انسانی، عدم شناخت اصول تعاونی، فعالیت مدیران تعاونی در بخش خصوصی، عضویت برخی از اعضا در چند تعاونی و عضویت افراد شاغل در تعاونی، وجود روابط سنتی در تعاونی، پایگاه نابرابر اعضا، وجود اختلاف در تصمیم‌گیری‌های جمعی و عدم علاقه اعضا به عضویت در هیأت مدیره از مهم‌ترین عوامل عدم موفقیت تعاونی‌هاست.

بابازاده (۱۳۸۶) عواملی مانند خرده پا بودن اعضا، ضعف بنیه مالی، محدود بودن منابع کسب اطلاعات در زمینه قیمت‌ها و بی‌سوادی اعضا را از عوامل عدم موفقیت تعاونی‌ها می‌داند. میزان توجیه‌شوندگی، مشارکت، سرمایه اجتماعی، همفکری، روابط عاطفی، مسئولیت‌پذیری و همگامی اعضا، رضایت اعضا از هیأت مدیره و عملکرد اداره تعاون، میزان دلبستگی اعضا به هم، میزان اعتماد متقابل اعضا، میزان مطلوبیت نگرش به نحوه مدیریت توسط اعضا، سهولت بازاریابی، سهولت دسترسی به مواد اولیه ارزان قیمت و استفاده از فناوری روز در موفقیت شرکت‌های تعاونی ایفای نقش می‌نمایند؛ یعنی شرکت‌های تعاونی که در این متغیرها از میزان بالایی برخوردارند، موفق بوده و برعکس، شرکت‌هایی که فاقد حداقلی از این عوامل هستند، موفق عمل نمی‌کنند (عباسی و همکاران، ۱۳۸۸). هاشمی‌نژاد و همکاران (Hasheminejad et al., 2011) مهم‌ترین آسیب‌هایی که تعاونی‌های تولید کشاورزی را تهدید می‌کنند مواردی از قبیل آگاهی محدود اعضا از اصول و فلسفه شکل‌گیری تعاونی‌های تولید، گرایش شدید تعاونی‌ها به ارائه خدمات، ضعف آموزش اعضای تعاونی‌ها، محدودیت سرمایه، گرایش تعاونی‌ها به دولت، بحران عدم اعتماد، ضعف اطلاع‌رسانی در تعاونی‌ها، نامشخص بودن اولویت، وظایف و اهداف تعاونی، بی‌توجهی به اصول تعاون، فقدان برنامه جامع و بلندمدت، نامشخص بودن جایگاه حقوقی و وجود برخی اختلافات با مؤسسات دولتی و نبود مرجعی برای حل اختلافات، ذکر کرده‌اند. نوروزی بیجندی (۱۳۸۴) در مطالعه‌ای روی آسیب‌شناسی، علل توقف فعالیت برخی از تعاونی‌ها، به بررسی علل غیر فعال و راکد شدن فعالیت شرکت‌های تعاونی در سراسر کشور پرداخته است. از نظر وی اکثر مشکلات و معضلات شرکت‌های تعاونی و دلیل رکود فعالیت آن‌ها کمبود سرمایه و نقدینگی بوده و وام‌ها و تسهیلات دریافتی تحت عنوان سرمایه در گردش به دلیل کوتاه‌مدت بودن زمان بازپرداخت آن به‌ویژه در مدت یک سال نمی‌توانند از سرمایه و نقدینگی موجود استفاده بهینه کنند. کمبود منابع مالی، عدم ریسک‌پذیری در سرمایه‌گذاری، عدم تمایل و توانایی اعضا در نوآوری، ناآگاهی اعضا از روش‌ها و شیوه‌های جدید تولید، نداشتن

تخصص و پایین بودن سطح تحصیلات، ترس از پذیرش و بکارگیری متخصصان در حوزه فعالیت تعاونی‌ها و نیز عدم علاقه به کسب مهارت و آموزش ضمن خدمت و کار، از علل غی فعال شدن برخی از شرکت‌های تعاونی بوده‌اند. علاوه بر این، بحث بازاریابی، عدم دسترسی به بازار هدف و توجه به عرضه و تقاضا و نوسانات قیمت، نادیده گرفتن رقیب، افزایش هزینه تولید، تعدد واسطه‌ها، عدم ساماندهی، عدم بهره‌برداری از استانداردهای قابل قبول، کمبود امکانات نگهداری محصولات تولیدی، مشکلات سیستم حمل و نقل نیز از علل رکود فعالیت در برخی از تعاونی‌ها می‌باشند. در عین حال مشکلات تهیه مواد اولیه و دسترسی به آن، شرایط اقلیمی و بلایای طبیعی از جمله توفان، زلزله، خشکسالی و عوامل غیر طبیعی مانند سرقت، آتش سوزی نیز از موارد غیرفعال شدن شرکت‌های تعاونی می‌باشند. وی به جرایم و تأخیر در پرداخت اقساط بانکی، عدم استمهال اقساط، بالا بودن سود بانکی، کوتاه مدت بودن بازپرداخت وام تسهیلات دریافتی را نیز اضافه کرده است. نتایج پژوهش دیگری در زمینه آسیب‌شناسی تعاونی‌ها نشان داده است که آگاهی پایین کشاورزان از اهمیت و جایگاه تعاونی، فقدان نیروی متخصص آموزش‌دهنده به اعضا در زمینه‌های فنی و ترویجی، فقدان تخصص و اطلاعات مدیر عامل و هیأت مدیره در حوزه فعالیت‌های تعاونی، سرمایه ناکافی تعاونی، ناتوانی تعاونی جهت جذب اعتبارات از منابع مالی خارج از روستا، عدم اعتماد اعضا به هیأت مدیره تعاونی، روحیه انفرادی و تمایل کم اعضا به فعالیت‌های جمعی و سازماندهی شده از سوی تعاونی، باعث شده است که تعاونی‌ها نتوانند به وظایف خود عمل کنند (Mennatizadeh et al., 2011). نتایج تحقیق دیگری نشان می‌دهد که مهم‌ترین عامل ناپایداری تعاونی‌ها عدم آگاهی کامل اعضای تشکیل‌دهنده با اصول و قوانین موجود و حاکم بر نظام تعاونی و همچنین محدودیت سرمایه می‌باشد (Rabiee & Yaghoubi, 2011). نتایج بررسی‌های خفایی (۱۳۸۸) نشان می‌دهد که عواملی از جمله: عدم همکاری دستگاه‌های اجرایی استان و پاسخگویی مناسب آن‌ها، هزینه‌های تأمین مواد اولیه و بالا بودن قیمت آن‌ها، بالا بودن کارمزد تسهیلات بانکی و

می‌دهد که آسیب‌های مربوط به ضعف‌های مدیریتی تعاونی‌ها، ضعف‌های مالی و اعتباری و کمبود امکانات و تجهیزات و عدم رضایت شغلی اعضا از عوامل رکود تعاونی‌ها می‌باشد. در جدول ۱ تحقیقات صورت گرفته در زمینه عوامل مؤثر بر زیان‌دهی تعاونی‌ها به طور مختصر آورده شده است.

فرآیند طولانی و روش‌های اخذ آن از بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری، ناچیز بودن سرمایه شرکت، عدم همکاری مساعد صندوق تعاونی استان، ارائه نامطلوب خدمات بازاریابی و نبود اطلاع‌رسانی مناسب در زمینه‌های مختلف، نقش مهمی در عدم موفقیت شرکت‌های تعاونی بخش کشاورزی داشته‌اند. همچنین نتایج پژوهش دولتی و نادری مهدی (Dowlati & Naderi Mehdiei, 2011) نشان

جدول ۱- تحقیقات مختلف در زمینه عوامل مؤثر بر زیان‌دهی تعاونی‌ها

عوامل	پژوهشگران
کمبود سرمایه، نداشتن هیأت مدیره فعال، کاهش سود شرکت و افزایش هزینه‌های آن، بی‌تفاوتی اعضا	حسینی‌مهر (۱۳۷۰)
عدم توانایی در رفع نیازهای اعضا، عدم مشارکت اعضا در مسایل تعاونی‌ها، غیر بومی بودن مدیر عامل	مهران‌فر (۱۳۷۸)
پایین بودن کیفیت تولیدات و خدمات، عدم آشنایی به وظایف و انجام آن، عدم دسترسی به امکانات کافی، بازاریابی نامناسب، عدم تناسب هزینه و درآمد، کمبود نیروی انسانی متخصص	خوشفر (۱۳۷۹)
محدودیت حوزه عمل فعالیت شرکت‌های تعاونی، عدم توانایی بازپرداخت وام بانکی، ضعف ارتباط با اعضا	اسکندری تربقان (۱۳۷۹)
ضعف حس مسئولیت‌پذیری، ضعف مدیریت و ارتباط با سازمان‌ها و ادارات	تقوی (۱۳۸۳)
کمبود منابع مالی، نداشتن تخصص و پایین بودن سطح تحصیلات، ترس از پذیرش و بکارگیری متخصصان در حوزه فعالیت تعاونی‌ها، عدم علاقه به کسب مهارت و آموزش ضمن خدمت	نوروزی بیجندی (۱۳۸۴)
تحصیلات پایین، پایین بودن کیفیت تولید و خدمات، پراکندگی سازمان‌های ناظر بر امور تعاونی‌ها، عدم وفاداری به اصول تعاون، ضعف مدیریتی، کمبود نیروهای متخصص	کوهی (۱۳۸۵)
عدم شناخت اصول تعاونی، پایگاه نابرابر اعضا، وجود اختلاف در تصمیم‌گیری‌های جمعی و عدم علاقه اعضا به عضویت در هیئت مدیره	آجیلی (۱۳۸۵)
خرده‌پا بودن اعضا، ضعف مالی، محدود بودن منابع کسب اطلاعات در زمینه قیمت‌ها و بی‌سوادی اعضا	بابازاده (۱۳۸۶)
مشارکت، سرمایه اجتماعی، همفکری، مسئولیت‌پذیری اعضا، رضایت اعضا از هیئت مدیره و عملکرد اداره تعاون، میزان اعتماد متقابل اعضا، میزان مطلوبیت نگرش به نحوه مدیریت توسط اعضا	عباسی و همکاران (۱۳۸۸)
عدم همکاری دستگاه‌های اجرایی استان و پاسخگویی مناسب آن‌ها، بالا بودن کارمزد تسهیلات بانکی و فرآیند طولانی و روش‌های اخذ آن از بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری، ناچیز بودن سرمایه شرکت	خفایی (۱۳۸۸)
روحیه فردگرایی، عدم همکاری اعضا، نبود مسئولیت‌پذیری در اعضا، ناآگاهی اعضا، غفلت از اصول تعاون	Carlo <i>et al</i> (2000)
عدم پایبندی اعضا به تعاونی	Bhuyon (2000)
عدم همکاری و مشارکت اعضا در برنامه‌ها، بدهی بالای تعاونی‌ها به بانک‌ها، بیمه، بازار و غیره، ناآشنایی با اهداف و اصول تعاون، سطح پایین تحصیلات، وابستگی به دولت و نهادهای دولتی	Mohammadi Torkashvand <i>et al</i> (2011)
گرایش شدید تعاونی‌ها به ارائه خدمات، ضعف آموزش اعضای تعاونی‌ها، محدودیت سرمایه، عدم اعتماد، ضعف اطلاع‌رسانی در تعاونی‌ها، نامشخص بودن اولویت، وظایف و اهداف تعاونی، بی‌توجهی به اصول تعاون	Hasheminejad <i>et al</i> (2011)
فقدان تخصص و اطلاعات مدیر عامل و هیأت مدیره در حوزه فعالیت‌های تعاونی، سرمایه ناکافی تعاونی، عدم اعتماد اعضا به هیأت مدیره تعاونی و روحیه انفرادی و تمایل کم اعضا به فعالیت‌های جمعی	Mennatizadeh <i>et al</i> (2011)
عدم آگاهی اعضا به اصول و قوانین موجود و حاکم بر نظام تعاونی، محدودیت سرمایه	Rabiee & Yaghoubi (2011)
ضعف‌های مدیریتی تعاونی‌ها، ضعف‌های مالی و اعتباری و کمبود امکانات، عدم رضایت شغلی اعضا	Dowlati and Naderi Mehdiei (2011)
کمبود اعتبار، ناآگاهی کشاورزان، فقدان متخصصین واجد شرایط، عدم اطلاع رسانی	Alizadeh (2011)

نتایج این پژوهش می‌تواند برای برنامه‌ریزان بخش تعاون روستایی مفید باشد. به این صورت که با شناخت بهتر مشکلات و دلایل شکست تعاونی‌های روستایی می‌توانند جهت برنامه‌ریزی هرچه بهتر و ارائه خدمات مورد نیاز به این تعاونی‌ها از این نتایج استفاده نمایند. همچنین برای آن دسته از روستاییانی که به دنبال راه‌اندازی تعاونی هستند و تعاونی‌هایی که خطر انحلال را حس می‌کنند و یا تعاونی‌هایی که با مشکلات عدیده‌ای مواجه‌اند، مفید خواهد بود.

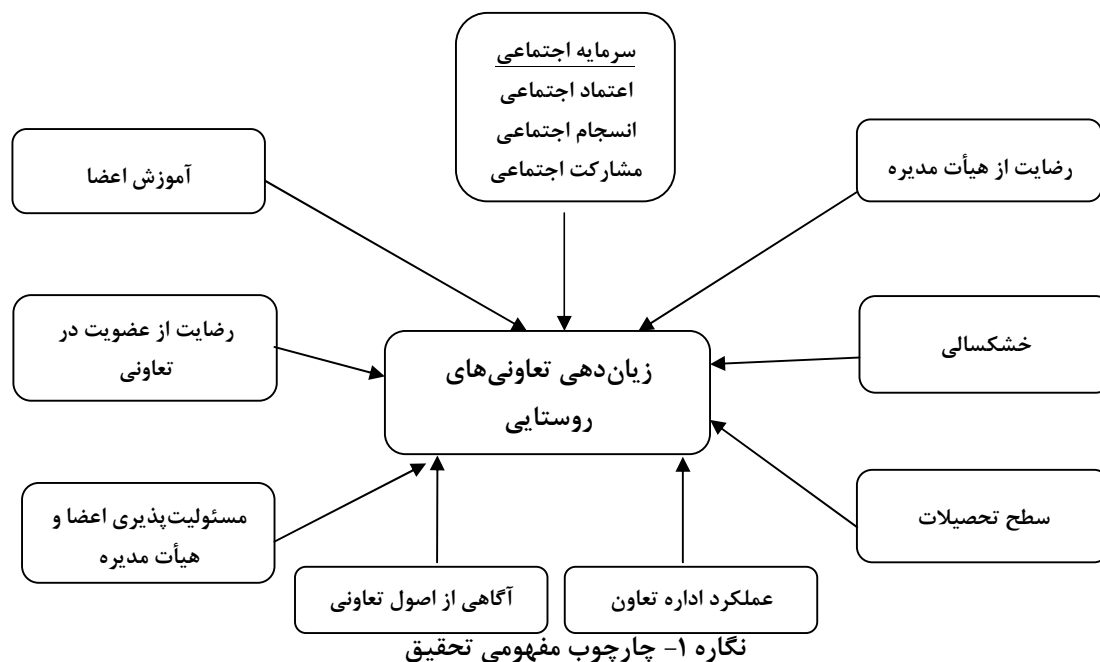
با توجه به مرور پیشینه نگاشته‌ها، چارچوب مفهومی تحقیق به صورت نگاره ۱ طراحی گردید. در چارچوب مفهومی پژوهش نه دسته متغیر بر زیان‌دهی تعاونی‌های روستایی تأثیرگذارند. این عوامل شامل سرمایه اجتماعی (انسجام، مشارکت و اعتماد اجتماعی)، رضایت از هیأت مدیره، آموزش اعضا، رضایت از عضویت در تعاونی، آگاهی از اصول تعاونی، مسئولیت‌پذیری اعضا و هیأت مدیره، عملکرد اداره تعاون، خشکسالی و سطح تحصیلات بوده است.

با توجه به این مقدمه، لزوم توجه بیش از پیش به تعاونی‌های روستایی در کشورهای در حال توسعه به عنوان پلی میان آحاد جامعه روستایی و دولت ضرورت می‌یابد. چرا که شناسایی عواملی که باعث شکست و رکود تعاونی‌های روستایی می‌شود از اهمیت بالایی برخوردار است. همچنین، تحقیقات انجام شده درباره آسیب‌شناسی تعاونی‌ها به صورت محدود و پراکنده هستند و نتایج حاصله از این تحقیق‌ها نمی‌تواند به صورت کامل آسیب‌ها، مشکلات و معضلات توسعه تعاونی‌ها از بعد کمی و کیفی را حل نماید، بنابراین در تحقیق حاضر با پاسخ‌گویی به سؤالات زیر در نظر است به بررسی عوامل تأثیرگذار بر زیان‌دهی تعاونی‌های روستایی پرداخته، تا شناخت جامعی از معضلات و مشکلات توسعه تعاونی‌ها از بعد کیفی و کمی حاصل گردد. در نهایت راهکارهایی برای کارآمدسازی این تعاونی ارائه می‌شود.

- علت زیان‌دهی و نقاط ضعف تعاونی روستایی امیرکبیر در چیست؟ (بخش کمی و کیفی)

- تأثیر هر یک از عوامل بر زیان‌دهی تعاونی‌ها به چه میزان است؟ (بخش کمی)

- چه اقدامات اجرایی باید توسط سازمان تعاون روستایی و اعضای تعاونی برای حل مشکل زیان‌دهی تعاونی‌ها صورت گیرد؟



روش پژوهش

در این تحقیق برای دستیابی به مرحله اشباع نظری داده‌ها از روش آمیخته تبیینی (کمی و کیفی) استفاده گردید. در بخش کیفی از رویکرد مطالعه موردی و ابزار مصاحبه و در بخش کمی از روش پیمایش بهره گرفته شد. در جمع‌آوری اطلاعات برای بخش کیفی، از روش گلوله برفی استفاده شد. دلیل استفاده از این رهیافت جستجوی افرادی بود که از نظر اطلاعات مورد نظر قوی هستند یا موردهای کلیدی می‌باشند. تعداد افراد مورد مصاحبه، ۲۵ نفر از اعضای تعاونی بودند. تحلیل بخش کیفی با استفاده از روش کدگذاری و طبقه‌بندی صورت گرفته است. بخش کمی نیز با استفاده از پرسشنامه و جمع‌آوری داده‌ها از طریق آن، صورت گرفته است. پرسشنامه مورد نظر از دو بخش تشکیل شده بود که یک بخش آن مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته و بخش دیگر آن ویژگی‌های فردی اعضا را شامل می‌شد که برای متغیرهای مستقل و وابسته از طیف پنج گزینه‌ای لیکرت (کاملاً مخالف = ۱ تا کاملاً موافق = ۵) به‌عنوان پاسخ استفاده گردید. متغیرهای مستقل شامل سرمایه اجتماعی (انسجام، مشارکت و اعتماد اجتماعی)، رضایت از هیأت مدیره، آموزش اعضا، رضایت از عضویت در تعاونی، آگاهی از اصول تعاونی، مسئولیت‌پذیری اعضا و هیأت مدیره، عملکرد اداره تعاون، خشکسالی و سطح تحصیلات بودند و برای سنجش متغیر وابسته یعنی زیان‌دهی تعاونی،

درآمدزایی، استمرار تولید و بازاریابی محصول سنجیده شد. به این صورت که برای هر کدام از آن‌ها تعدادی گویه تعریف گردید (طیف پنج گزینه‌ای لیکرت بسیار کم = ۱ تا بسیار زیاد = ۵) و از اعضای تعاونی پرسیده شد. داده‌پردازی و برآوردهای پژوهش نیز با نرم‌افزار SPSS، نسخه ۱۸ انجام پذیرفت. روایی صوری پرسشنامه (بخش کمی) توسط پانلی از متخصصین تأیید شده است و برای بررسی پایایی آن نیز یک آزمون راهنما انجام شد که آلفای کرونباخ آن بین ۰/۷۲-۰/۸۶ بدست آمد. در جدول ۲، مقدار ضریب آلفای کرونباخ و تعداد گویه‌ها برای هر یک از متغیرها آورده شده است. جامعه آماری مورد پژوهش، تمامی اعضای تعاونی امیرکبیر (۱۳۰۰ نفر) بودند. در پژوهش حاضر از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده گردید. حجم نمونه آماری بر اساس جدول کرجسی و مورگان (Krejcie & Morgan, 1970)، ۲۹۷ نفر برآورد شد. تعاونی مورد پژوهش (تعاونی روستایی امیرکبیر)، در روستای تفتیهان شهرستان شیراز قرار دارد که در سال ۱۳۵۲ تأسیس گردید. این تعاونی، خدماتی نظیر توزیع نهاده‌های کشاورزی، توزیع اجناس کوپنی، جمع‌آوری گندم کشاورزان و کارگزاری بیمه روستاییان و عشایر را به اعضا ارائه می‌دهد. طبق اطلاعات بدست آمده از سازمان تعاونی روستایی، تعاونی روستایی امیرکبیر جز تعاونی‌های زیان‌ده در استان فارس بوده است.

جدول ۲- تعداد گویه‌ها و مقادیر آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق

متغیرها	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ
انسجام اجتماعی	۳	۰/۸
مشارکت اجتماعی	۳	۰/۸
اعتماد اجتماعی	۳	۰/۷۲
رضایت از هیأت مدیره	۳	۰/۷۹
آموزش اعضا	۳	۰/۸۳
رضایت از عضویت در تعاونی	۴	۰/۷۲
آگاهی از اصول تعاونی	۵	۰/۷۵
مسئولیت‌پذیری اعضا و هیأت مدیره	۴	۰/۸۶
عملکرد اداره تعاون	۴	۰/۸۲
خشکسالی	۳	۰/۸۴
زیان‌دهی تعاونی	۸	۰/۷۳

یافته‌ها و بحث

ویژگی‌های فردی

بر طبق نتایج توصیفی، پاسخگویان مورد مطالعه بین دامنه سنی ۲۹ تا ۷۵ سال قرار داشتند (میانگین ۴۱/۱۷ سال و انحراف معیار ۱۳/۰۷). از نظر تحصیلات، ۱۵ درصد بی‌سواد، ۹ درصد سواد خواندن و نوشتن، ۳۵ درصد سیکل، ۳۳ درصد دیپلم و ۸ درصد در حد لیسانس سواد داشتند. بیشترین میزان سابقه عضویت در تعاونی ۲۰ سال و کمترین سابقه ۴ سال می‌باشد (میانگین ۱۱/۰۳ سال و انحراف معیار ۶/۱۱). از نظر بعد خانوار، اکثر خانواده‌های مورد بررسی (۴۹ درصد) به خانوارهای چهار و پنج نفره متعلق هستند. از نظر سابقه فعالیت کشاورزی، میانگین سابقه پاسخگویان ۲۳/۴۳ سال و انحراف معیار ۱۳/۴۶ بوده است. با توجه به این میانگین، اکثریت گروه هدف پژوهش دارای سابقه بالایی در فعالیتهای کشاورزی بودند و افرادی باتجربه محسوب می‌گردند.

توصیف متغیرهای پژوهش

با توجه به جدول ۳، مشخص شد که متغیرهایی نظیر سرمایه اجتماعی و آگاهی از اصول تعاونی (با توجه به دامنه هر یک از آنها)، در حد متوسط به بالا و متغیرهایی نظیر رضایت از هیأت مدیره، آموزش اعضا، رضایت از عضویت در تعاونی، عملکرد اداره تعاون، مسئولیت‌پذیری اعضا و هیأت مدیره در حد متوسط به پایین هستند.

همبستگی بین متغیرهای پژوهش

پیش از محاسبه رگرسیون، همبستگی (ضریب همبستگی پیرسون) بین متغیرهای پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. بطوری که هرچه همبستگی بین متغیرها قوی‌تر باشد، پیش‌بینی نیز دقیق‌تر خواهد بود. در همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته، متغیرهای رضایت از هیأت مدیره، عملکرد اداره تعاون و آگاهی از اصول تعاونی به ترتیب با ضریب ۰/۴۴، ۰/۳۲ و ۰/۳۰ بیشترین و متغیر سطح تحصیلات با ضریب ۰/۰۹ کمترین همبستگی را دارا می‌باشد.

X_1 = سطح تحصیلات؛ X_2 = سرمایه اجتماعی؛ X_3 = رضایت از عضویت در تعاونی؛ X_4 = رضایت از هیئت مدیره؛ X_5 = آموزش اعضا؛ X_6 = آگاهی از اصول تعاونی؛ X_7 = مسئولیت‌پذیری اعضا و هیئت مدیره؛ X_8 = عملکرد اداره تعاون؛ X_9 = خشکسالی؛ X_{10} = زیان‌دهی تعاونی (جدول ۴).

پیش‌بینی سازه‌های مؤثر بر زیان‌دهی تعاونی‌های روستایی

به منظور تعیین توانایی متغیرهای مستقل در پیش‌بینی متغیر وابسته زیان‌دهی تعاونی‌های روستایی، از آزمون آماری رگرسیون چند متغیره به روش مرحله‌ای یا گام به گام استفاده گردیده است. همان‌گونه که جدول ۵، نشان می‌دهد، از بین کل متغیرهای مستقل، هشت متغیر مسئولیت‌پذیری هیأت مدیره، عملکرد اداره تعاون، آموزش اعضا، خشکسالی، مشارکت اجتماعی، آگاهی از اصول تعاونی، رضایت از هیأت مدیره و اعتماد اجتماعی به ترتیب وارد معادله رگرسیونی شدند. مدل رگرسیون با مقدار $F=30/45$ و در سطح $p=0/001$ معنی‌دار گردید. تحلیل رگرسیونی نشان داد، به ازاء یک واحد تغییر در انحراف معیار متغیرهای مستقل مسئولیت‌پذیری هیأت مدیره، عملکرد اداره تعاون، آموزش اعضا و خشکسالی به ترتیب ۰/۳۶-، ۰/۱۴-، ۰/۱۸- و ۰/۲۸ واحد تغییر در سطح متغیر وابسته (زیان‌دهی) تعاونی ایجاد می‌شود. همچنین، با تغییر یک واحد در انحراف معیار متغیرهای مستقل مشارکت اجتماعی، آگاهی از اصول تعاونی، رضایت از هیأت مدیره و اعتماد اجتماعی به ترتیب ۰/۲۶-، ۰/۲۰- و ۰/۱۸- واحد در زیان‌دهی تعاونی‌ها تغییر ایجاد می‌شود. به بیان دیگر، هرچه هیأت مدیره مسئولیت‌پذیرتر باشند، عملکرد اداره تعاون بهتر، اعضا آموزش‌های لازم را بیشتر ببینند، مشارکت و اعتماد اجتماعی ایشان بیشتر، اعضا از اصول تعاونی آگاهی بیشتری را داشته و از هیأت مدیره رضایت بیشتری داشته باشند، زیان‌دهی، تعاونی کاهش می‌یابد.

جدول ۳- توصیف متغیرهای پژوهش

متغیرها	تعداد گویه	میانگین	انحراف معیار
انسجام اجتماعی	۳	۱۰/۴۳	۲/۵۷
مشارکت اجتماعی	۳	۱۰/۰۷	۲/۵۷
اعتماد اجتماعی	۳	۱۰/۳۸	۲/۴۵
رضایت از هیأت مدیره	۳	۶/۰۹	۲/۵۲
آموزش اعضا	۳	۷/۱	۲/۳۷
رضایت از عضویت در تعاونی	۴	۹/۱۵	۳/۱۵
آگاهی از اصول تعاونی	۵	۱۶/۶۴	۴/۰۷
مسئولیت پذیری اعضا و هیأت مدیره	۴	۸/۱۸	۳/۵
عملکرد اداره تعاون	۴	۹/۴۷	۳/۲۱
خشکسالی	۳	۱۰/۱۰	۲/۴۵
زبان‌دهی تعاونی	۸	۲۱/۱۱	۳/۸۳

جدول ۴- ماتریس همبستگی بین متغیرهای تحقیق

متغیرهای تحقیق	X ₁	X ₂	X ₃	X ₄	X ₅	X ₆	X ₇	X ₈	X ₉	X ₁₀
X ₁	۱									
X ₂	۰/۰۶	۱								
X ₃	۰/۰۵	۰/۰۸	۱							
X ₄	۰/۰۳	۰/۱۱	۰/۳۴**	۱						
X ₅	-۰/۰۱	۰/۳۲**	۰/۲۲**	۰/۰۹	۱					
X ₆	-۰/۰۱	۰/۱۱	۰/۲۲**	۰/۰۷	۰/۱۷**	۱				
X ₇	۰/۰۰۴	۰/۰۶	۰/۱۸**	۰/۰۵	۰/۲۱**	۰/۱۲	۱			
X ₈	-۰/۰۹	۰/۳۱**	۰/۱۵**	۰/۰۳	۰/۰۷	۰/۱۱	۰/۲۱**	۱		
X ₉	-۰/۰۶	۰/۱۱	۰/۰۸	۰/۲۹**	۰/۱۲	۰/۲۱**	۰/۰۷	۰/۱۱	۱	
X ₁₀	۰/۰۹	۰/۲۶**	۰/۲۰**	۰/۴۴**	۰/۱۹**	۰/۳۰**	۰/۲۶**	۰/۳۲**	۰/۲۹**	۱

** معنی‌دار در سطح ۰/۰۱

جدول ۵- متغیرهای مستقل وارد شده در مدل رگرسیون

متغیرهای پیش‌بین	B	Beta	t	Sig
عرض از مبدأ (Constant)	۹/۸۳	-	۳/۰۶	۰/۰۰۳
مسئولیت‌پذیری هیأت مدیره (X ₁)	-۰/۴۴	-۰/۳۶	-۵/۹۶	۰/۰۰۰
عملکرد اداره تعاون (X ₂)	-۰/۱۴	-۰/۱۴	-۱/۹۵	۰/۰۰۵
آموزش اعضا (X ₃)	-۰/۰۴	-۰/۱۸	-۳/۴	۰/۰۰۱
خشکسالی (X ₄)	۰/۴۸	-۰/۲۸	۴/۳۰	۰/۰۰۰
مشارکت اجتماعی (X ₅)	-۰/۱۷	-۰/۲۶	-۴/۳۸	۰/۰۰۰
آگاهی از اصول تعاونی (X ₆)	-۰/۴۰	-۰/۲۰	-۳/۴۸	۰/۰۰۱
رضایت از هیأت مدیره (X ₇)	-۰/۰۷	-۰/۱۸	-۳/۵۷	۰/۰۰۰
اعتماد اجتماعی (X ₈)	-۰/۱۵	-۰/۲۰	-۳/۲۴	۰/۰۰۱

مشاهده نمود. پس از تجزیه و تحلیل پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان مشخص شد که هفت طبقه یا به عبارتی هفت عامل بر زیان‌دهی تعاونی‌های روستایی تأثیر دارند. این هفت عامل شامل عوامل محیطی، عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی، سرمایه انسانی، عوامل مدیریتی، عوامل حمایتی و عوامل آموزشی می‌باشد. یافته‌ها نشان داد که "عوامل اجتماعی" با ۷۴ تکرار بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. همچنین، این عامل، چهار مفهوم "اعتماد"، "فردگرایی"، "خدمات ناکافی" و "عدم ارتباط دو جانبه" را دربر دارد. دومین عامل با بیشترین تکرار "عوامل اقتصادی" است که ۵۲ مورد به آن اشاره شده است. همچنین، عوامل اقتصادی به چهار مفهوم "تسهیلات"، "سرمایه تعاونی"، "نبود امکانات" و "بدهکاری" تقسیم شده است.

"عوامل حمایتی" طبقه دیگری است که شامل سه مفهوم "کم‌توجهی مسئولین"، "تشکل‌های موازی" و "واردات محصولات" می‌باشد و پاسخگویان ۴۲ مرتبه به طرق مختلف به این عامل اشاره نمودند. عامل دیگر مؤثر بر زیان‌دهی تعاونی‌ها، "عوامل مدیریتی" می‌باشد که سومین عامل مؤثر است. این عامل که شامل دو مفهوم "ضعف مدیریت" و "تغییر پی‌درپی مدیرعامل" نیز می‌باشد، ۳۳ مورد را به خود اختصاص داده است. یافته دیگر، "عوامل آموزشی" می‌باشد که ۲۷ مرتبه به این عامل اشاره شده است. این طبقه، خود شامل مفهوم "عدم آموزش" می‌باشد. عامل ششم که مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره نمودند، "سرمایه انسانی" است که مفهوم "کمبود نیروی متخصص" را دارا می‌باشد. در بین پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان، این عامل ۲۰ مرتبه تکرار شده است. آخرین طبقه، "عوامل محیطی" می‌باشد که شامل مفاهیم "خشکسالی"، "نامرغوبی اراضی"، "فصلی بودن زراعت" و "کاهش سطح زیر کشت" است و ۱۹ مرتبه تکرار شده است. یافته‌های حاصل از مصاحبه، با نتایج تحقیقات عباسی و همکاران (۱۳۸۸)، خفایی (۱۳۸۸)، کوهی (۱۳۸۵)، نوروزی بیچندی (۱۳۸۴)، حسینی مهر (۱۳۷۰)، خوشفر (۱۳۷۹)، اسکندری تربقان (۱۳۷۹)، تقوی (۱۳۸۳)، Hasheminejad et al. 2011; Mennatizadeh et al. 2011; Alizadeh, 2011; Bruynis et al. 1997; Rabiee & Yaghoubi, 2011; Dowlati & Naderi Mehdi, 2011;

همان طور که در جدول ۶ قابل مشاهده است، براساس میزان R^2 ، متغیرهای وارد شده در مجموع قادرند ۶۱ درصد از تغییرات در متغیر وابسته زیان‌دهی تعاونی‌ها را پیش‌بینی کنند. دو متغیر مستقل مسئولیت‌پذیری هیأت مدیره و عملکرد اداره تعاون به ترتیب ۲۹ و ۱۱ درصد از میزان تغییرات در زیان‌دهی تعاونی‌ها را توضیح می‌دهند و شش متغیر آموزش اعضا، خشکسالی، مشارکت اجتماعی، آگاهی از اصول تعاونی، رضایت از هیأت مدیره و اعتماد اجتماعی به ترتیب ۵٪، ۲٪، ۳٪، ۲٪، ۲٪ و ۲٪ از میزان تغییرات در متغیر وابسته (زیان‌دهی تعاونی‌ها) را توضیح می‌دهند. این یافته با نتایج تحقیقات مختلفی مطابقت دارد؛ به طوری که نتایج تحقیقات عباسی و همکاران (۱۳۸۸) نشان می‌دهد که مشارکت اجتماعی و رضایت از هیأت مدیره باعث موفقیت و عدم رکود تعاونی‌های روستایی می‌شود. کوهی (۱۳۸۵)، آجیلی (۱۳۸۵)، کارلو و همکاران (Carlo et al., 2000) و محمدی ترکشوند و همکاران (Mohammadi Torkashvand et al., 2011) نیز بیان می‌کنند که عدم آگاهی از اصول تعاونی و عدم وفاداری به آن باعث زیان‌دهی تعاونی‌های روستایی می‌شود. هاشمی‌نژاد و همکاران (Hasheminejad et al., 2011) عواملی از قبیل ضعف آموزش اعضای تعاونی، و عدم اعتماد و بی‌توجهی به اصول تعاون را باعث شکست تعاونی‌های روستایی دانسته‌اند. نوروزی بیچندی (۱۳۸۴) عدم علاقه به کسب مهارت و آموزش اعضا را عاملی مهم در شکست تعاونی‌ها بیان کرده است. از دیگر یافته‌هایی که با نتایج تحقیقات مختلف مطابقت دارد، پژوهش منتی‌زاده و همکاران (Mennatizadeh et al., 2011) می‌باشد که بیان داشته‌اند عدم اعتماد اعضا و روحیه انفرادی و تمایل کم اعضا به فعالیت‌های جمعی از دلایل رکود تعاونی‌های روستایی است.

یافته‌های حاصل از مصاحبه

یکی از ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق، مصاحبه بوده است. اطلاعات جمع‌آوری شده توسط مصاحبه نیز به روش کدگذاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در جدول ۷، حاصل کدگذاری و طبقه‌بندی پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان را می‌توان در جدول ۷

مدیریت تعاونی، در هر دو روش جزء عوامل مؤثر بر زیان‌دهی تعاونی‌ها بودند که تا حدود بسیار زیادی نشان‌دهنده تأیید یافته‌های بخش کمی با بخش کیفی است.

(Mohammadi Torkashvand *et al.* 2011; Bhuyon, 2000) مطابقت دارد.

با مقایسه نتایج بدست آمده از بخش کمی و کیفی مشخص شد که برخی عوامل نظیر نارضایتی از عملکرد اداره تعاون، آموزش اعضا، خشکسالی، اعتماد و ضعف

جدول ۶- تبیین میزان تغییرات در زیان‌دهی تعاونی‌های روستایی توسط متغیرهای مستقل

متغیر	R	R ²	R ² Adjust	R ² Change
مسئولیت‌پذیری هیأت مدیره	۰/۵۴	۰/۲۹	۰/۲۹	۰/۲۹
عملکرد اداره تعاون	۰/۶۴	۰/۴۱	۰/۴۰	۰/۱۱
خشکسالی	۰/۶۸	۰/۴۷	۰/۴۶	۰/۰۵
آموزش اعضا	۰/۷۰	۰/۵۰	۰/۴۸	۰/۰۲
مشارکت اجتماعی	۰/۷۳	۰/۵۳	۰/۵۲	۰/۰۳
آگاهی از اصول تعاونی	۰/۷۴	۰/۵۵	۰/۵۴	۰/۰۲
رضایت از هیأت مدیره	۰/۷۶	۰/۵۸	۰/۵۶	۰/۰۲
اعتماد اجتماعی	۰/۷۸	۰/۶۱	۰/۵۹	۰/۰۲

جدول ۷- طبقات، مفاهیم و پاسخ‌های مصاحبه شونده‌گان

طبقات (تکرار)	مفاهیم (تکرار)	پاسخ‌های مصاحبه شونده‌گان (تکرار)
عوامل محیطی (۱۹)	خشکسالی (۸)	- کم‌آبی‌های چند سال اخیر باعث لنگ شدن تعاونی شده است (۴). - خشکسالی باعث کاهش درآمد تعاونی گردیده است (۱). - کم شدن باران باعث کاهش فعالیت‌های تعاونی شده است (۳). - شوری زمین‌های ما باعث کاهش تولید شده و بر تعاونی ما هم تأثیر داشته است (۲). - کاهش حاصلخیزی زمین‌ها محصول را کاهش داده و سود تعاونی را خیلی کم کرده است (۴).
عوامل اقتصادی (۵۲)	نامرغوبی اراضی (۶)	- بیکار بودن ما در زمستان‌ها و نبود محصول، تعاونی را با مشکل مواجه کرده است (۲). - به زیر کشت نبردن تمام اراضی زبان شدیدی به اعضا و خود تعاونی آورده است (۲). - با کاهش سطح زیر کشت، میزان محصول و سود تعاونی کم می‌شود (۱).
	فصلی بودن زراعت (۲)	- تسهیلات اداره تعاون بسیار دیر در اختیار تعاونی قرار می‌گیرد (۴). - تسهیلات اداره تعاون به تعاونی کم شده است (۸). - توزیع تسهیلات بین تعاونی‌ها عادلانه نیست (۲).
	سرمایه تعاونی (۱۳)	- سرمایه تعاونی از ابتدا خیلی کم بود که تعاونی با زیان روبه‌رو شد (۵). - کاهش سال به سال سرمایه تعاونی آن را با شکست روبه‌رو کرد (۷). - فعالیت‌های نامناسب تعاونی مانع از سرمایه‌گذاری مجدد اعضا شد (۱).
	نبود امکانات (۱۰)	- نداشتن دفتر کار متعلق به تعاونی، انبار، ماشین‌آلات و نهاده‌ها تعاونی را با مشکل روبه‌رو کرد (۸). - امکانات اطلاع‌رسانی تعاونی بسیار کم بود است (۲).
	بدهکاری (۱۵)	- بالا بودن هزینه‌های اداری باعث اضافه شدن بدهی تعاونی شد (۷). - عدم توانایی در جذب نهاده‌ها به دلیل بدهکاری زیاد (۴). - اجاره‌ای بودن دفتر تعاونی بدهی شرکت را افزایش می‌داد (۴).

ادامه جدول ۷- طبقات، مفاهیم و پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان

طبقات (تکرار)	مفاهیم (تکرار)	پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان (تکرار)
عوامل اجتماعی (۷۴)	اعتماد (۲۸)	- اعضای تعاونی به هیأت مدیره هیچ اعتمادی ندارند (۹). - اعضای تعاونی به یکدیگر اعتماد نمی‌کنند (۵). - راكد ماندن تعاونی باعث بی‌اعتمادی اعضا شده است (۴). - عدم سوددهی تعاونی اعتماد را در بین اعضا از بین برده است (۱۰).
	فردگرایی (۱۳)	- اعضا هر کدام به فکر منافع شخصی خودش است و به فکر مشکلات تعاونی نیست (۸). - هر فرد تنها مشکلات خودش را می‌بیند و مشکلات دیگر اعضا را در نظر نمی‌گیرد (۵).
سرمایه انسانی (۲۰)	خدمات ناکافی (۱۳)	- تعاونی خدمات کافی به اعضا نمی‌دهد (۷). - هیأت مدیره به مشکلات ما رسیدگی نمی‌کند (۶).
	عدم ارتباط دوجانبه (۲۰)	- هیچ ارتباطی بین اعضا و شرکت وجود ندارد (۹). - فاصله بین اعضا و تعاونی زیاد شده است (۱۱).
عوامل مدیریتی (۳۳)	کمبود نیروی متخصص (۲۰)	- کارکنان تعاونی در کار خود ماهر نیستند (۵). - کارمندان تعاونی با پارتی سر کار هستند (۲). - پرسنل شرکت بر اساس توانایی‌های خود در جای خود قرار نگرفته‌اند (۶). - نیروی متخصص و ماهر در تعاونی وجود ندارد (۷).
	ضعف مدیریت (۲۶)	- مدیریت تعاونی به صورت سنتی است (۶). - مدیریت نتوانسته زیان‌دهی فروشگاه را حل نماید (۶). - مدیریت، از بازار محصول اطلاع کافی ندارد (۴). - گندم هر ساله به صورت غیر اصولی خریداری می‌شود (۸). - مدیریت نیروی‌های غیر متخصص را به عنوان ناظر خرید محصول انتخاب می‌کند (۷). - هیأت مدیره در فعالیت‌های تعاونی تنوعی ایجاد نکرده است (۴). - هیأت مدیره و مدیرعامل از زمینه‌های مختلف فعالیتی آگاهی ندارد (۳). - مدیریت تا به حال چندین بار تغییر کرده (۷).
عوامل حمایتی (۴۲)	تغییر پی‌درپی مدیرعامل (۷)	- مسئولین اداره تعاونی به مشلات تعاونی ما توجهی ندارند (۹). - اداره تعاون روستایی از شرکت ما بازدید نمی‌کند (۲). - اداره تعاون وعده و وعیدهای دروغین می‌دهند (۶). - مسئولین استان بر فعالیت‌های تعاونی ما نظارتی ندارد (۱۰). - دولت واردات محصول را افزایش داده است (۵). - دولت به جای حمایت از کشاورزان محصول وارد می‌کند (۴). - در منطقه تعاونی‌ها و تشکل‌هایی هست که کارهای تکراری و موازی انجام می‌دهد (۶).
	کم توجهی مسئولین (۲۷)	- دولت واردات محصولات (۹) تشکل‌های موازی (۶)
عوامل آموزشی (۲۷)	عدم آموزش (۲۷)	- اعضای تعاونی در مورد وظایف و عملکرد تعاونی اطلاع ندارند (۸). - دوره‌های آموزشی کمی در تعاونی برگزار شده است (۱۰). - تعاونی به نیازهای آموزشی اعضا توجهی نمی‌کند (۹).

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در قرن ۲۱ تعاونی‌ها یک اهرم مناسب برای توسعه کشورها هستند که می‌توانند همگام با سیاست‌های دولت در بهبود شرایط زندگی، کار، تولید و ارتقا سطح درآمد و وضعیت اجتماعی، فرهنگی مردم مؤثر باشد. اصلی‌ترین اهدافی که از ایجاد بخش تعاون در هر کشوری دنبال می‌شود، بهبود کیفیت زندگی مردم، کار و تولید، بالا بردن سطح درآمد، وضعیت اجتماعی - توسعه بر مبنای برابری و عدالت است. صاحب‌نظران و جامعه‌شناسان معتقدند در شرایط کنونی که از سوی شعار دولت کوچک‌تر برای آینده بهتر و خودکفایی در تولید، بطور جدی مطرح می‌شود، باید به تقویت تعاونی‌های روستایی توجه بیشتری شود؛ زیرا در تعاونی‌ها نظارت قوی مردمی اعمال می‌شود و هرم قدرت در آن از پایین به بالا است. در نتیجه مسئولیت و هزینه‌های نظارتی دولت کمتر می‌شود و نظارت، مفهومی دقیق‌تر و گسترده‌تر می‌یابد. همچنین، برای بخش خصوصی رقیبی جدید یافت می‌شود که می‌تواند به نوبه خود در افزایش کیفیت تولید و کارایی بیش‌تر این بخش نقش مهمی داشته باشد. ولی بررسی وضعیت تعاونی‌ها در سطح کشور و استان فارس نشانگر از زیان‌دهی و ورشکستگی برخی تعاونی‌ها در این خصوص است که یکی از این تعاونی‌ها، تعاونی روستایی امیرکبیر بوده است. این تعاونی پس از چندین سال فعالیت از حالت پایدار خارج و سال به سال بر زیان‌دهی آن افزوده شده است. همچنین تعیین هیأت مدیره این تعاونی از حالت انتخابی خارج و در سال‌های اخیر به صورت انتصابی در آمده است. در این پژوهش تلاش شد تا عوامل مؤثر بر زیان‌دهی تعاونی‌های روستایی مشخص گردد. یافته‌های حاصل از بخش کمی نشان داد که از بین کل متغیرهای مستقل، هشت متغیر مسئولیت‌پذیری هیأت مدیره، عملکرد اداره تعاون، آموزش اعضا، خشکسالی، مشارکت اجتماعی، آگاهی از اصول تعاونی، رضایت از هیأت مدیره و اعتماد اجتماعی بر زیان‌دهی تعاونی‌های روستایی تأثیرگذارند. در این بین، دو عامل مسئولیت‌پذیری هیأت مدیره و عملکرد اداره تعاون بیشترین تأثیر را بر زیان‌دهی تعاونی‌ها دارا بودند. همچنین، نتایج حاصل از مصاحبه

مشخص کرد که هفت عامل محیطی، اقتصادی، اجتماعی، سرمایه انسانی، مدیریتی، حمایتی و آموزشی بر زیان‌دهی تعاونی‌های روستایی مؤثر بودند. از بین این عوامل نیز عامل‌های اجتماعی و اقتصادی بیشترین تأثیر را در رکود و شکست تعاونی مورد نظر داشتند. با مقایسه این دو بخش مشخص شد که عوامل نارضایتی از عملکرد اداره تعاون، آموزش اعضا، خشکسالی، اعتماد و ضعف مدیریت تعاونی، در هر دو روش جزء عوامل مؤثر بر زیان‌دهی تعاونی‌ها بودند. در پایان با توجه به یافته‌ها و نتایج بدست آمده از این مطالعه پیشنهادهای زیر مطرح می‌گردد.

- با توجه به اینکه اعضای تعاونی از اصول و اهداف تعاونی‌ها و وظایف خود اطلاعات کمی داشتند، می‌بایست کارشناسان تعاون روستایی جلسات و کارگاه‌های توانمندسازی در رابطه با اصول و اهداف تعاونی و وظایف اعضا و هیأت مدیره برگزار کنند تا از این طریق بتوانند آگاهی اعضا از اصول، اهداف تعاونی و وظایفی که از خود اعضا انتظار می‌رود را ارتقا دهند و به نوعی اعضا از آموزش‌های لازم برخوردار شوند. زیرا، آموزش‌های مستمر یکی از ارکان اساسی و جدانشدنی تعاونی‌ها محسوب می‌شود. همچنین، می‌توان با برگزاری دوره‌های آموزشی نظیر سرمایه‌گذاری و بازاریابی محصولات، مشکلات بازاریابی و مدیریت آن را حل نمود.

- با توجه به اینکه تعاونی مورد نظر با مشکلات مالی فراوانی دست به گریبان بود، سازمان تعاون می‌بایست تسهیلات مالی با شرایط آسان نظیر وام با بهره کم و غیره در اختیار اینگونه تعاونی‌های زیان‌ده قرار دهد تا از ورشکستگی آنها جلوگیری نماید. همچنین، اداره تعاون می‌تواند در بازاریابی محصولات به تعاونی کمک نماید تا از این طریق برخی مشکلات مالی تعاونی نیز حل شود.

- اداره تعاون روستایی باید جلساتی با اعضا و هیأت مدیره تعاونی‌های روستایی برگزار کند و به مشکلات آن‌ها رسیدگی نماید. همچنین، می‌بایست ارتباطی بین اعضای تعاونی‌های موفق و زیان‌ده برقرار کند تا از این طریق از تجربیات یکدیگر بصورت بهینه استفاده نمایند.

- پیشنهاد می‌شود با برگزاری جلسات عمومی اعضا و هیأت مدیره تعاونی، برنامه دقیق، جامع، اصولی و

برخوردار باشند. اگرچه تحصیلات بالاتر صرفاً دلیل موفق بودن در کار نیست اما، سبب درک بهتر مسائل و تجزیه و تحلیل بهتر آن‌ها می‌شود.

- با توجه به اینکه خشکسالی‌های چند سال اخیر بر تعاونی‌های روستایی تأثیر منفی داشته است، بنابراین، پیشنهاد می‌گردد، فعالیت‌های تعاونی متنوع شود (نظیر اجاره دادن ماشین‌آلات کشاورزی و غیره) تا اثرات منفی خشکسالی را جبران کند.

واقع‌بینانه بر اساس مشکلات و نیازهای تعاونی در قالب برنامه کوتاه‌مدت و بلندمدت تدوین گردد تا از این طریق فعالیت‌های تعاونی نظام‌مند شود و مشارکت اعضا افزایش یافته و اعتماد آن‌ها نسبت به هیأت مدیره و خود تعاونی ارتقا یابد.

- با توجه به اینکه اعضا از هیأت مدیره و پرسنل تعاونی رضایت نداشته و آن‌ها را کارآمد نمی‌دانستند، لذا پیشنهاد می‌شود افرادی به‌عنوان هیأت مدیره و پرسنل تعاونی انتخاب شوند که از تجربه کافی و تحصیلات بالاتری

منابع

- آجیلی، ع. (۱۳۸۵). بررسی مسائل و مشکلات تعاونی‌های زنان و ارائه راه‌های ارتقاء کمی و کیفی آنها، وزارت تعاون، اداره کل تعاون استان خوزستان.
- احمدوند، م. و شریف‌زاده، م. (۱۳۸۸). امکان‌پذیری تشکیل انجمن‌های آب‌بران: مورد مطالعه دشت کوار استان فارس. *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی*، جلد ۵، شماره ۲، صص ۱-۱۴.
- اسکندری تربقان، م. ر. (۱۳۷۹). نقش تعاونی‌ها در توسعه اقتصادی و اجتماعی. *فصلنامه تعاون*، شماره ۱۰۴، صص ۹-۶.
- تقوی، ن. (۱۳۸۳). *بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونی‌های تولید*. انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان آذربایجان شرقی.
- بابازاده، ع. (۱۳۸۶). بررسی امکان تشکیل و توسعه شرکت‌های تعاونی بازاریابی محصولات کشاورزی در استان آذربایجان شرقی، *فصلنامه تعاون*، شماره ۱۸۹ و ۱۹۰، صص ۷-۱۸.
- حسینی مهر، ک. (۱۳۷۰). نظری بر مسایل و مشکلات عمده تعاونی‌های کشور. *فصلنامه تعاون*، جلد ۱۲، صص ۸-۶.
- خفایی، ب. (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر عدم موفقیت شرکت‌های تعاونی بخش کشاورزی در شهرستان‌های بوشهر و دشتستان. *فصلنامه تعاون*، جلد ۲۰، شماره ۲۱۲، صص ۲۰۰-۱۸۳.
- خوشفر، غ. (۱۳۷۹). مسایل و مشکلات تعاونی‌های فرش دستباف در استان مازندران. *فصلنامه تعاون*، شماره ۱۰۶، صص ۶۲-۵۷.
- دیزاوی، م. ث.، انصاری، ح. و ازکیا، م. (۱۳۸۹). بررسی میزان رضایت اعضا از عملکرد اقتصادی و اجتماعی تعاونی‌های روستایی، مطالعه موردی تعاونی‌های روستایی شهرستان مشهد. *تعاون*، جلد ۲۱، شماره ۲، صص ۸۹-۶۳.
- طاهرخانی، م. و قرنی آرانی، ب. (۱۳۸۴). مطالعه عوامل مؤثر بر گرایش روستاییان به تشکیل تعاونی‌های روستایی، مطالعه موردی: دهستان قنوات قم. *تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۷۸، صص ۱۰۱-۸۱.
- عباسی، ر. رسول زاده، ب. و عباسی، پ. (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر موفقیت و عدم موفقیت تعاونی‌های تولیدی استان اردبیل. *فصلنامه تعاون*، جلد ۲۰، شماره ۲۱۰ و ۲۱۱، صص ۹۰-۷۱.
- عباسی، م. (۱۳۸۹). *باور تعاون*. انتشارات مؤسسه توسعه روستایی ایران.
- کوهی، ک. (۱۳۸۵). *بررسی آسیب‌شناسی توسعه تعاونی‌ها در سطح استان آذربایجان شرقی*. انتشارات اداره کل تعاون استان آذربایجان شرقی.
- معاونت تحقیقات، آموزش و ترویج استان تهران. (۱۳۸۳). *پیشرفت و توسعه تعاونی‌ها*. انتشارات پایگان، تهران.
- منفرد، ن. (۱۳۹۰). تعیین‌کننده‌های مشارکت کشاورزان در تعاونی‌های تولید: مورد مطالعه استان بوشهر. *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی/ایران*، جلد ۷، شماره ۱، صص ۱۷-۲۵.

مهران‌فر، ص. (۱۳۷۸). بررسی مشکلات تعاونی‌های خوداشتغالی بانوان استان یزد، و آرایه راهکارهای مناسب. طرح تحقیقاتی اداره کل تعاون استان یزد.

نوروزی بیجندی، ع. (۱۳۸۴). آسیب شناسی علل توقف فعالیت برخی از تعاونی‌ها. تعاون، شماره ۱۷۱، صص ۶۵-۵۴.

- Alizadeh, M. (2011). An analysis of agricultural producers' cooperatives. 1st International Conference on Cooperative Social, Economic and Cultural Capabilities. Iran, Kish Island.
- Bhuyan, S. (2000). Grower and manager issues in fruit and vegetable cooperatives. Annual Meeting, Available at: <www.ageconnn.kus.edu/accc/ncr/194>.
- Bruynis, C., Hahn, D. E., and Taylor, W. J. (1997). Critical success factors for emerging agricultural marketing cooperatives. *American Cooperation*, 50-54. An annual publication of the National Council of Farmer Cooperatives (NCFC).
- Carlo, R., Weatherspoonb, D., Petersonb, C., and Sabbatinia, M. (2000). Effects of managers' power on capital structure: A study of Italian agricultural cooperatives, *International Food and Agribusiness Management Review*, 3, 27-39.
- Dowlati, N., and Naderi Mehdiei, K. (2011). Factors affecting the stagnation of rural cooperative societies (case study: Hamedan province). 1st International Conference on Cooperative Social, Economic and Cultural Capabilities. Iran, Kish Island.
- Hasheminejad, A., Choromzadeh, M., and Khosravipour, B. (2011). Pathology of Agricultural Producers' Cooperatives in Iran. 1st International Conference on Cooperative Social, Economic and Cultural Capabilities. Iran, Kish Island.
- Holloway, G., Nicholson, C., Delgado, C., Staal, S., and Ehui, S. (2000). Transaction costs, cooperatives and milk-market development In the East-African Highlands. *Agricultural Economics*, 23(3), 279-288.
- Krejcie, R. V., and Morgan, D. W. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational and Psychological Measurement*, 30, 607-610.
- Linsy, M., and Settle, C. (2003). Bargaining outcomes in rural electric cooperative all-power requirements contract negotiations in a deregulated retail market. *The Electricity Journal*, 16(2), 38-53.
- Marshall, A., Hine, S., Daisted, N., and Lybecker, D. (2001). Rural supply cooperative, capital budgeting decision case: Feasibility study of auxiliary enterprises for A rural supply cooperative. *International Food and Agribusiness Management Review*, 4, 197-204.
- Mennatizadeh, M., karami, G. H., and Gheysari, H. (2011). Pathology of Agricultural Producer's Cooperatives: A Case Study of Gharabagh District-Shiraz. 1st International Conference on Cooperative Social, Economic and Cultural Capabilities. Iran, Kish Island.
- Mohammadi Torkashvand, A., Badragheh, A., Allahyari, M. S., Samari, D., and Solouki, M. (2011). Factors affecting failure of fishery cooperatives In Guilan Province. 1st International Conference on Cooperative Social, Economic and Cultural Capabilities. Iran, Kish Island.
- Owango, M., Staal, S. J., Kenyanjui, M., Lukuyu, B., Njubi, D., and Thorp, W. (1998). Dairy cooperatives and policy reform in Kenya: Effects of livestock service and milk market liberalization. *Food Policy*, 23(2), 173-185.
- Rabiee, M., and Yaghoubi, J. (2011). A study on the causes of non-sustainability and non-development of agricultural producers' cooperatives. 1st International Conference on Cooperative Social, Economic and Cultural Capabilities. Iran, Kish Island.
- Sriram, M. S. (2000). Financial cooperatives in Quebec, Canada: A study of the desjardins movement. *Journal of Rural Development*, 19(2), 161-183.
- Wan, G. H., Zhou, Z. Y., and Dillon, J L. (1998). On the reform of rural supply and marketing cooperatives in China. *Agricultural Economics*, 2(1), 73-88.

Factors Affecting Rural Cooperatives Losses (A Case Study: Amirkabir Rural Cooperative in Fars Province)

P. Ataei and N. Izadi^{*1}

(Received: Oct, 5. 2013; Accepted: Apr, 19. 2015)

Abstract

In our country, rural cooperatives were established in order to improve the quality of villagers' life and raising employment production and their social status. But, Evaluation of cooperatives in our country and in Fars province revealed that some of them couldn't achieve this goal. The purpose of this study was to investigate affecting factors on rural cooperative losses which was done as combined explanatory. The population of this study was all members of Amirkabir rural cooperative (1300 members). 297 members were selected by using random sampling. Also, in qualitative part 25 members of the cooperative were extensively interviewed. Questionnaires were used to collect quantitative data the questionnaire validity was confirmed by a panel of experts and a pilot test was performed to evaluate its reliability the Cronbach's alpha was between 0.72-0.86. Quantitative results revealed that eight variables: responsiveness of cooperative executive board, cooperatives department operation system, education of members, drought, members social participation members, members awareness of cooperative principles, members satisfaction from cooperative executive board and over all social confidence, could explain 80 percent of changes in dependent variable (cooperative losses). Qualitative findings also revealed that seven factors: environmental, economic, social, human capital, management, support and training were affecting factors on success of rural cooperative. Comparison of the results of the quantitative and qualitative study show that in both methods some factors were affecting the losses of cooperative such as dissatisfaction with the performance of cooperative administration, training of members, drought, trust and deficiency in management. Finally, a connection between successful and unsuccessful cooperatives suggested in order to exchange information and discuss their experiences.

Keywords: Rural Cooperative, Cooperative Losses, Pathology of Cooperative, Amirkabir Cooperative.

¹- Ph.D Student of agricultural extension Tarbiat Modares University, and Ph.D Student of agricultural extension and education Bu-Ali Sina University, respectively.

*- Corresponding author, Email: izadi.nasim@yahoo.com